

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

۲ □ قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی فلسطین)

این اثر تقدیم به

آزاد مردانی که بیچگاه از راه جهاد فی سبیل الله خسته نشدند

و جان شریف خود را در این مسیر نثار نمودند.

قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران
مطالعه موردی فلسطین
(۱۳۸۱-۱۳۸۷)

بامقدمه:

دکتر اصغر افتخاری

تالیف:

جواد یوسفی

فهرست مطالب

۹ سخن ناشر
۱۱ پیشگفتار
۱۳ مقدمه: مراتب جهاد و قدرت نرم اسلامی
 دکتر اصغر افتخاری
۲۷ فصل ۱. مبانی مفهومی و نظری
۲۷ کلیات
۲۹ ۱-۱. چارچوب مفهومی
۳۰ ۱-۱-۱. قدرت
۴۴ ۲-۱-۱. قدرت سخت
۴۸ ۳-۱-۱. قدرت نرم
۷۶ ۲-۱. سیاست خارجی
۷۶ ۱-۲-۱. تئوری‌های سیاست خارجی
۷۷ ۲-۲-۱. سیاست خارجی و سازه‌انگاری
۹۲ ۳-۲-۱. سیاست خارجی و قدرت نرم
۹۵ مرور مطالب فصل

۹۷.....	فصل ۲. تحولات فلسطین طی سال های ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۱.....
۹۷.....	کلیات.....
۱۰۰.....	۱-۲. تغییرات در فضای سیاسی و حکومتی فلسطین.....
۱۰۱.....	۱-۱-۲. طرح صلح نقشه راه.....
۱۰۹.....	۲-۱-۲. درگذشت یاسر عرفات.....
۱۲۴.....	۳-۱-۲. انتخابات در فلسطین.....
۱۵۶.....	۴-۱-۲. نشست آنابولیس.....
۱۶۴.....	۲-۲. تحولات اجتماعی.....
۱۶۴.....	۱-۲-۲. بررسی انتفاضه اول و دوم.....
۱۷۱.....	۲-۲-۲. ملت فلسطین و انتخابات.....
۱۷۲.....	مروری بر مطالب فصل.....
۱۷۵.....	فصل ۳. قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در فلسطین اشغالی.....
۱۷۵.....	کلیات.....
۱۷۵.....	۱-۳. منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران.....
۱۷۶.....	۱-۱-۳. منابع محیطی.....
۱۸۱.....	۲-۱-۳. منابع سیاسی (در گستره خارج).....
۱۹۲.....	۳-۱-۳. منابع سیاسی (در گستره داخلی).....
۱۹۶.....	۴-۱-۳. اصول راهنمای مکتب امام خمینی (ره).....
۱۹۷.....	۵-۱-۳. رهبری.....
۲۰۲.....	۶-۱-۳. زبان و ادبیات فارسی.....
۲۰۳.....	۷-۱-۳. فرهنگ ایرانی - اسلامی.....
۲۰۷.....	۸-۱-۳. الگوی پیشنهادی روابط بین الملل از سوی ایران.....

فهرست مطالب □ ۷

۲۱۷.....	۲-۳. ایران، فلسطین و قدرت نرم.....
۲۱۸.....	۱-۲-۳. بررسی عناصر اجتماعی-فرهنگی قدرت نرم ایران در فلسطین.....
۲۴۰.....	۲-۲-۳. عوامل سیاسی.....
۲۶۴.....	مرور مطالب فصل.....
۲۶۷.....	فصل ۴، نتیجه‌گیری.....
۲۸۱.....	فهرست منابع.....
۲۹۱.....	نمایه.....

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم. سوره مبارکه النمل. آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

مطالعه نظریه قدرت نرم، اگر چه از حیث فلسفی و شناختی امری ضروری و جذاب می‌نماید؛ اما نباید این نکته را از نظر دور داشت که «قدرت نرم» صرفاً یک نظریه تحلیلی برای شناخت نیست، بلکه دارای ارزش عملیاتی می‌باشد. معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام با عنایت به ضرورت پژوهش همه جانبه در این زمینه، از سال ۱۳۸۷ طرح مطالعاتی قدرت نرم را که شامل بخش‌های مهمی چون شناخت قدرت نرم، نقد و ارزیابی نظریه‌های غربی، و تولید نظریه اسلامی و ایرانی قدرت نرم می‌شود؛ تعریف و اجرا نمود.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام امیدوار است نتایج حاصل آمده از این پروژه که به بیش از ۳۰ عنوان اثر بالغ می‌شود، مورد توجه علاقمندان قرار گرفته و از این طریق گفتمان تازه‌ای در مطالعات قدرت نرم در ایران شکل بگیرد.

۱۰ □ قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی فلسطین)

ناشر ضمن استقبال از نظرات اصلاحی و تکمیلی، آمادگی خود را برای دریافت و نشر سایر متون مرتبط - بویژه با تأکید بر رویکردهای اسلامی - ایرانی و توجه به مسایل خاورمیانه و ایران اعلام می‌دارد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام

پیشگفتار

قدرت واژه‌ای است که همچون دیگر مباحث علوم انسانی دارای تعاریف متعدد در ابعاد مختلفی است. از آن زمان که جوزف نای (Joseph Nye) موضوع قدرت نرم را مطرح نمود تحلیل‌گران برآن شدند تا مصادیقی از آن را در کشور خود پیدا نموده و به بررسی آن بپردازند.

جمهوری اسلامی ایران که بر پایه یک انقلاب دینی و بدون از خشونت به وجود آمد دارای ابعاد متعددی از قدرت از جمله قدرت نرم است. ایران کشوری است که توانسته با استفاده از روشنگری‌های بنیانگذار کبیر خود امام خمینی (ره)، از همان ابتدا به فکر گسترش تفکر و اندیشه انقلابی خود به دیگر کشورها مخصوصاً کشورهای مسلمان منطقه و جهان باشد. از همان ابتدا این گسترش نه بر مبنای استفاده از ابزارهای سخت بلکه با استفاده از گفتگو و رایزنی بوده و امام خمینی (ره) از همان ابتدا با مخاطب قرار دادن مستضعفین جهان تمامی مردم جهان از هر نژاد و آیینی را مورد توجه خود قرار داد و آنگونه رفتار نمود که دیگر هیچ گروه یا ملیتی مخاطب خاص او نبوده و روشنگری و هدایت وی مختص تمامی ملت‌های مستضعف جهان باشد.

از سوی دیگر موضع‌گیری رسمی ایران در قبال مسئله فلسطین و همچنین مشخص نمودن آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به عنوان روز جهانی قدس حرکت نوینی را در خصوص مسئله فلسطین ایجاد نمود که این سیاق جدید با تمامی راه‌کارهای گذشته که توسط دولت‌ها مورد پیگیری بود متفاوت بوده و این بار این ملت‌ها بودند که هر ساله در روز جهانی قدس خواستار احقاق حق ملت مظلوم فلسطین بودند.

در این کتاب به بررسی آن چیزی خواهیم پرداخت که از آن به قدرت نرم یاد شده و نمونه‌های عینی آن در خصوص جمهوری اسلامی ایران مورد توجه و بررسی قرار خواهد گرفت. سپس با توجه به تغییرات ایجاد شده در بین سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۷ در فلسطین این موضوع مورد پیگیری است که به چه میزان آن چیزی که قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران از آن می‌شود در این تحولات که مختص موضوع فلسطین است تاثیر گذار بوده و تا چه حدی شعارها و اقدامات جمهوری اسلامی ایران در خصوص فلسطین و رژیم صهیونیستی الگوی اصلی اقدامات و تغییرات ملت فلسطین بوده است. در پایان از تمامی عزیزانی که در تهیه و تدوین این مطالب به بنده کمک کرده و راهنمایی‌ها و رهنمون‌های با ارزش آنان باعث غنای هرچه بیشتر این مطالب شده تشکر و قدردانی می‌نمایم؛ بالاخص جناب آقای دکتر امینیان که استاد راهنمای بنده در تهیه اولیه مطالب این کتاب بوده‌اند.

البته بر خود فرض می‌دانم که تقدیر ویژه خود را تقدیم کنم به والدین بزرگوار و زحمتکش و همسر مهربانم.

جواد یوسفی

مقدمه

مراتب جهاد و قدرت نرم اسلامی

دکتر افتخاری*

کلیات

«جهاد» به دلیل حساسیت و آثار گسترده‌ای که بر تحولات جوامع اسلامی و همچنین نظم جهانی داشته، موضوع تحلیل‌های بسیاری قرار گرفته که در نتیجه آن دیدگاه‌های مختلفی تولید و عرضه شده است. در این مقدمه نگارنده نخست نگاهی اجمالی به این نظریه‌ها داشته و سپس دیدگاه مختار را که بیان‌گر ظرفیت نرم‌افزارانه این مفهوم برای مقابله با کفر و نفاق است، ارائه می‌نماید.

۱. دیدگاه‌ها

در ارتباط با «جهاد» می‌توان دو دیدگاه را شناسایی نمود که علی‌رغم تفاوت‌های تحلیلی و استنادی، دارای شباهت محتوایی بالایی بوده و لذا نگارنده آنها را در یک رویکرد واحد قرار می‌دهد. این دیدگاه‌ها عبارتند از:

* دانشیار علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

۱-۱. دیدگاه حداکثری

در این دیدگاه، «جهاد» مصداق کامل «قتال» ارزیابی شده و سیاستی شناسانده می‌شود که به کاربرد خشونت برای سرکوب حریف با اغراض زیر دلالت دارد:

اول. صیانت از «بلاد، نظام و جامعه» اسلامی در قبال تعرض دشمن خارجی که به «جهاد دفاعی» شناسانده شده و از حیث عقلی و شرعی برای آن تأییدات بسیار می‌توان سراغ گرفت (نک. طوسی ۱۳۸۷؛ الموسوی الخمینی [بی‌تا]: هیکل ۱۴۱۷ قمری؛ ابن تیمیه ۱۳۶۸ قمری).

دوم. تقویت نظم و ثبات داخلی جامعه اسلامی در قبال «باغی» که به دلیل سرکشی و تمرد، مستوجب برخورد فیزیکی شده است (الماوردی ۱۴۱۵ قمری، ابن قیم الجوزیه ۲۰۰۶: ۷۷۸-۷۸۰؛ عمید زنجانی ۱۳۸۵ - الف: ۳۲۰-۳۱۰).

سوم. مبارزه با کافران به منظور «توسعه کلمه الله» که از آن با عنوان «جهاد ابتدایی» یاد شده و البته پیرامون وجوب یا عدم آن، بحث‌های بسیار است (عمید زنجانی ۱۳۸۳: ۳۳۶-۳۳۴).

۱-۲. دیدگاه حداقلی

در این دیدگاه سه مصداق مذکور مورد نقد قرار گرفته، یک یا دو گونه آن از قلمرو جهاد خارج می‌گردد. برای مثال می‌توان اصول این دیدگاه را به شرح زیر برشمرد:

اصل اول. نفی وجوب جهاد ابتدایی؛ بدین صورت که آن را از حیث معنا و کاربرد خارج از گفتمان اسلامی می‌داند (نک. صالحی نجف‌آبادی: ۱۳۸۲).

اصل دوم. تفکیک مصداقی در معنای «بغاة» و خروج دسته‌ها و گروه‌های مخالف و معارض حاکم عدل از گستره آن تا از این طریق به کاربرد حداقلی جهاد در مقابل «باغی» برسد (هیکل ۱۴۱۷ قمری: ۶۶؛ صالحی نجف‌آبادی ۱۳۸۲: ۱۲۹-۱۱۳).

اصل سوم. تحدید در دفاع به گونه‌ای که برای این اقدام ضروری، شروطی را قایل می‌شوند تا از این طریق مانع از کاربرد گسترده آن شوند. این نویسندگان مستند به آیات شریفه ۶۵ و ۶۶ از سوره مبارکه انفال و مواردی از این قبیل، صبر و پایداری را گام نخست در جهاد دانسته و جنگ دفاعی را در مرحله بعدی قرار می‌دهند. برخی دیگر قایل به شرط «تعداد» هستند و «دو برابر بودن» دشمن را دلیل وجوب جهاد دفاعی دانسته‌اند که در نهایت حکایت از «تحدیدگرایی جهاد» توسط ایشان دارد (جهت آشنایی با این دیدگاه‌ها ر.ک. صالحی نجف‌آبادی ۱۳۸۲: ۱۱۰-۱۰۴).

چنان که ملاحظه می‌شود، نزد این گروه حداکثر «وجوب جهاد دفاعی» اثبات می‌شود و سایر گزینه‌ها با ادله مختلف (از حیث ماهیتی یا مصداقی) نفی و خارج می‌گردد.

۲. گونه‌شناسی جهاد

چنان‌که بیان شد، دو دیدگاه حداقلی و حداکثری در بحث جهاد، اگر چه از حیث گستره عملیات جهادی با یکدیگر تفاوت دارند، اما در نوع نگاهشان

به ماهیت جهاد تا حدودی شبیه یکدیگر بوده و لذا به دلیل نظامی پنداشتن جهاد - از منظر نگارنده در یک رویکرد واحد قرار دارند. بررسی مستندات ارایه شده از سوی طرفین در نقد طرف مقابل نشان می‌دهد که آیات و روایاتی که در آنها از «قتال» یا «مرابطه» سخن به میان آمده در بحث جهاد به کرات استفاده شده؛ حال آن که «جهاد» از حیث واژه و معنا، متفاوت از «قتال» - و همچنین مرابطه - است.

مطابق نظریه پیشنهادی نگارنده، «جهاد» دلالت بر الگویی نرم‌افزارانه در عرصه مدیریت مناسبات دارد؛ حال آن که «قتال» الگویی سخت‌افزارانه را تداعی می‌نماید. لذا اگر بخواهیم از واژه «جنگ» بهره ببریم، یکی «جنگ نرم» و دیگری «جنگ سخت» را شامل می‌شود.

۱-۲. جهاد الهی

از آنجا که انسان اشرف مخلوقات است و خلق شده تا عبادت الهی را به نحو احسن و کامل به انجام رساند تا از این طریق خود اعتلاء یافته و به هدف از خلقتش برسد؛ مبنایی‌ترین گونه جهاد «تلاش برای خدایی شدن» است که خداوند متعال با ربط «جهاد به خودش» آن را تبیین و بیان نموده است:

«وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَ فِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ اغْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ» (قرآن کریم، سوره مبارکه الحج (۲۲)، آیه شریفه ۷۸).

«برای خدایی شدن، چنان‌که شایسته چنین اقدامی است؛ تلاش نمایید. او خدایی است که شما را برگزیده و در دین چیزی را که مایه‌ی رنج شما باشد، بر شما حمل ننموده است. این همان آیین پدرتان ابراهیم است. خداوند شما را پیش از این مسلمان نامیده است. در این طریق پیامبر برای شما گواه است و شما خود گواهی هستید برای دیگر مردمان. پس اقامه نماز نمایید و زکات بدهید و به خدا متوسل گردید؛ که او مولای شماست. او بهترین مولا و بهترین یاور است.»

رکن بنیادین جهاد، به اقدام افراد برای «خدایی شدن» در نظر و عمل اطلاق می‌شود که با تعبیر استثنائی «جاهدوا فی الله» آورده شده است. از آنجا که این اقدام، تحولی ارزنده را شامل می‌شود که باید معیار و ملاک آن «الله» باشد؛ تعبیر خداوند نیز «حَقَّ جِهَادِهِ» است که هیچ مرز و پایانی برای آن نمی‌توان تصور نمود. در این معنا مسیر جهادی، طریقی است که انسان اسما و صفات حق را در خود به قدر توان و ظرفیتش متجلی می‌سازد و از این ره گذر، متحول شده و پیرامون خود را نیز متحول می‌سازد.

۲-۲. جهاد «توحیدی»

«وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (قرآن کریم، سوره مبارکه العنکبوت (۲۹)، آیه شریفه ۶۹).

«و آنان که به مجاهده در ما اهتمام ورزند، به تحقیق راه‌هایمان را به ایشان می‌نمایانیم. و همانا خداوند به همراه نیکوکاران است».

در این آیه شریفه «الهی شدن» به همراه مقولات دیگری که مربوط به «الله» است؛ همانند معاد، درک حقیقت دنیا، دوری از شرک، اخلاص، شکر نعمت الهی و... مدنظر است؛ به همین دلیل فقط «خدایی شدن» ذکر نشده و مجاهده به اصلاح کل بینش خود و جامعه دلالت دارد. لذا کاربرد «نا» در این مقام معنادار می‌نماید. توجه به محتوای آیات پیشین که در نهایت به ذکر این آیه شریفه (به‌عنوان آیه‌ی پایانی سوره) منتهی شده، مؤید این معناست. در واقع مبتنی بر علم مناسبات می‌توان ادعا نمود که عصاره تمامی آیات پیشین - که ابعاد مختلف ایمان را بیان می‌دارد - در این آیه شریفه به تناسب آورده شده (ایازی ۱۳۸۰: ۵۶-۵۴) که از مجاهده به «مؤمن شدن واقعی در عمل و نظر» می‌توان تعبیر نمود.

ضمناً نتیجه «جهاد» در اینجا «هدایت» ذکر شده (لنهدینهم) که با تفسیر «قتالی» از آیه مناسبت ندارد. لذا می‌توان تفسیر نرم‌افزاری از «جهاد» (یعنی ایمان) را مناسب‌تر ارزیابی نمود. همچنین محتوای ایمانی جهاد با توجه به مفعول آیه شریفه، نیز تأیید می‌شود. خداوند متعال از «لنهدینهم» معنای عمومی «هدایت» را (ظاهراً) اراده ننموده است. چرا که اگر چنین بود، لازم می‌آمد از حرف اضافه «الی» استفاده شود (لنهدینهم [الی] سُبُلَنَا). حال که چنین نشده و «الی» به کار نرفته است. در واقع موضوع «هدی» واژه «سُبُل» است. با این ملاحظه مشخص می‌شود که برای مجاهدان، سُبُل الهی آشکار می‌شود. کاربرد جمع «سبیل» و اتصال آن به «نا» نیز با توجه به توضیح آمده در ابتدای بند ۲-۲-۲ قابل درک است. بدین معنا که «سبیل الله» یکی است اما

در بخش‌های مختلف این «سبیل‌الله» باید آشکار گردد و مجموع آنها «سُبُلَنَا» می‌شود.

خلاصه کلام آن که «ایمان» و ارتقای آن (یا ایها الذین امنوا امنوا - قرآن کریم، سوره مبارکه النساء (۴)، آیه شریفه ۱۳۶)، دومین گام «جهاد» است که در تمامی عرصه‌های حیات باید صورت گیرد تا در نتیجه آن «حیات ایمانی» موضوعیت بیابد. این گونه از جهاد، چنان که ملاحظه می‌شود، کاملاً نرم‌افزارانه بوده و با «قتال» (سخت‌افزاری) نمی‌توان آن را معادل دانست.

۳-۲. جهاد «سبیل‌الهی»

سومین مرتبه از جهاد ناظر بر اقداماتی است که در «راه خدا» صورت می‌گیرد. امتیاز برجسته این جهاد آن است که مجاهد را به «الله» نزدیک می‌سازد؛ رسالتی که هر «راهی» در نسبت به مقصدش ایفا می‌نماید. اما وجه تمایز آن از دو گونه نخستین آن است که آنها در صورت نیل به «مقصد» معنا و مفهوم می‌یابند. به همین خاطر است که گونه‌های اول و دوم به مراتب عالی‌تر از جهاد فی سبیل‌الله - و البته دشوارتر - هستند. این گونه از جهاد، با دو روایت اصلی در قرآن کریم معرفی شده است:

اول. تعریف عام

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَ
جَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (قرآن کریم،
سوره مبارکه المائده (۵)، آیه شریفه ۳۵).

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوای الهی پیشه
نمایید و به منظور نیل به تقرب الهی، ابزاری که در

شأن الهی است را تدارک نمایسد و در راه الهی مجاهده نمایند؛ باشد تا رستگار شوید».

تعریف عام از «جهاد سبیل الهی»، هر آن تلاشی است که انسان مؤمن در راه خدا به انجام می‌رساند. مصادیق این تلاش بسیارند و انحصار به «قتال» ندارد. لذا «جنگ سخت» صرفاً مصداقی از مفهوم عام «جهاد فی سبیل الله» — بدون ذکر امتیازی خاص از ناحیه شارع در قرآن کریم — به شمار می‌آید.

دوم. تعریف خاص

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ لَمْ يَأْتُوا بِاللَّهِ بِغَيْرِ مَعْرُوفٍ وَأُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ» (قرآن کریم، سوره مبارکه الحجرات (۴۹)، آیه شریفه ۱۵).

«همانا مؤمنان به‌طور مشخص آناند که به خدا و رسولش ایمان آورند، سپس در مراحل بعد از آن دچار شک و تردیدی نشده و در راه خدا با اموال و جان‌هایشان مجاهده نمودند. ایشان به تحقیق همان صادقان هستند».

چنان که ملاحظه می‌شود، مؤمنان در مسیر الهی و مجاهده برای نیل به هدف عالی‌شان لازم است «تلاش» بسیاری بنمایند که در تعریف خاص از «جهاد سبیل الهی» دو حوزه «مال» و «جان» ممتاز شده‌اند. بر این اساس «جنگ سخت» مصداق خاص «مجاهده با جان» می‌تواند باشد؛ اگر چه انحصار در آن ندارد و سایر فداکاری‌ها — مانند داستان لیلۃ‌المبیت — را نیز شامل می‌شود.

۴-۲. جهاد مساعدتی (مَعِيَه)

این نوع از جهاد به «کمک» و «مساعدتی» اشاره دارد که افراد یا گروه‌ها به رسول خدا و یا مسلمانان ارایه می‌نمایند و از این طریق به مسلمانان نزدیک و از مزایای (مادی و یا معنوی) آن برخوردار می‌شوند. در آیه شریفه پایانی از سوره مبارکه انفال خداوند متعال به این جهاد اشاره داشته است.

«وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدُ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنْكُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (قرآن کریم، سوره مبارکه انفال (۸)، آیه شریفه ۷۵).

«و آنان که پس از [شما و یا صلح حدیبیه] ایمان آوردند و هجرت نمودند و به همراه شما مجاهده نمودند؛ ایشان از شما و حکم نزدیکان شما را دادند و مطابق حکم آمده در کتاب الهی بعضی از آنها به بعضی دیگر مقدمند. همانا خداوند به همه چیز کاملاً آگاه است».

چنان که ملاحظه می‌شود، جهاد مساعدتی نیز اعم از جنگ است. به گونه‌ای که در موضع نخست تلقی‌ای عام را می‌رساند و در تلقی دوم، روایتی خاص که به جنگ نزدیکتر است. آنچه در این جا در خور توجه می‌نماید، این است که: منظور اصلی «مساعدت نمودن» مؤمنان و رسول خدا ﷺ است. حال اگر ایشان قصد جنگ دارند، مساعدت در این زمینه معنا می‌دهد و اگر قصد کار دیگری دارند، مساعدت در امور اجتماعی معنا می‌دهد. در هر حال مساعدت در سطح و گستره‌ای متفاوت از مراتب سه‌گانه پیشین مطرح می‌شود.

۵-۲. جهاد کبیر (همه جانبه)

«فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (قرآن

کریم، سوره مبارکه الفرقان (۲۵)، آیه شریفه ۵۳).

«پس هرگز از کافران اطاعت مکن و در مواجهه با

ایشان، جهادی بزرگ را پیشه ساز».

این نوع از جهاد نحوه تقابل مسلمین با کفار و منافقان - که در دو جبهه

خارج و داخل - قرار دارند را بیان نموده و با وضع اصطلاح «جهاد کبیر»

اصل برخوردار همه جانبه را تبیین می‌نماید که مؤلفه‌های اصلی آن عبارتند از:

اول. عدم اطاعت

بدین معنا که بازیگر مسلمان به هیچ وجه نباید از خواسته‌های نامشروع

کفار و منافقین به خاطر تحصیل رضایت آنان، تبعیت نماید و در این

خصوص هیچ توجهی قابل پذیرش نیست.

دوم. غلظت

در مقام مواجهه با منافقان و کفار باید «شدت» و «سرسختی» مسلمانان

آشکار باشد تا آنها به اشتباه در ایشان طمع ننموده و سیاست‌های تحمیلی

پیشه نکنند. این در حالی است که در مناسبات داخلی «رحمت» [۱] و نفی

«شدت» [۲] ملاک و معیار است. اما جهاد تقابلی بر «شدت» و «سرسختی»

بنیاد گذارده می‌شود، چنان که می‌خوانیم:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ

عَلَيْهِمْ وَاوَاهِمْ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ» (قرآن کریم،

سوره مبارکه التوبه (۹)، آیه شریفه ۷۳).

«ای پیامبر با کفار و منافقین مجاهده نما و با ایشان به شدت و سختی رفتار کن، و آنان در جهنم خواهند بود و تحول و انجामी بس بد برای ایشان است».

همین معنا مجدداً در سوره مبارکه تحریم آیه شریفه ۹ به تأکید آمده است. نتیجه آن که در جهاد کبیر، موضوع اصلی نحوه ساماندهی مواجهه رسول خدا ﷺ با کفار و منافقین است که با شاخص «عدم اطاعت» و «غلظت» شناسانده شده است. این جهاد حسب کلام الهی برای شخص پیامبر ﷺ اثبات شده، اگر چه از حیث مفهومی در اصلاح سیاست خارجی کشورهای اسلامی می‌توان از آن بهره گرفته و دو رکن اصلی مذکور را برای سیاست عملی استنتاج نمود.

۶-۲. جهاد عمومی

آخرین تلقی‌ای که از جهاد در قرآن کریم آمده، تفسیری عمومی به معنای «تلاش نمودن» است که می‌تواند مصادیق مختلفی داشته باشد. از آن جمله: اعمال فشار از ناحیه والدین بر فرزندان برای واداشتن ایشان به عدم اطاعت از خداوند که معمولاً مستند به عاطفه و موقعیت والدنی صورت می‌گیرد و از آن به «جاهداک» تعبیر شده است:

«وَصَيِّنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهِدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (قرآن کریم، سوره مبارکه العنكبوت (۲۹)، آیه شریفه ۸).

نتیجه گیری

مطابق آنچه آمد، مشخص می‌شود که «جهاد» در اسلام به مثابه راهبردی نرم‌افزارانه مطرح است؛ بعبارت دیگر آنچه امروزه با عنوان عمومی «جنگ نرم» از آن تعبیر می‌شود، در واقع مبین راهبرد نرم‌افزارانه‌ای است که در اسلام در ذیل «جهاد» تأمین و عملیاتی می‌شود. از این منظر «قتال» به جنگ سخت و «جهاد» به جنگ نرم دلالت دارد. البته باید تصریح نمود که «جهاد» راهبردی نرم‌افزارانه است و شمول آن به مراتب بیشتر از جنگ نرم با دشمن می‌باشد. بدین معنا که «جنگ نرم با دشمن» از مصادیق «جهاد» به شمار می‌آید. با این توضیح حاکمیت رویکرد جهادی بر جریان مقاومت اسلامی در فلسطین اشغالی و یا مجموع بازیگرانی که به نوعی در مقابل آمریکا و رژیم صهیونیستی و حامیان آن ایستاده‌اند؛ می‌تواند مبتنی بر نوعی از قدرت نرم ارزیابی گردد. قدرت نرمی که از ناحیه التزام به اصل جهاد و ورود به عرصه جهاد کبیر قابل درک است. اثر حاضر از آن حیث که به تحلیل موردی منابع این قدرت نرم می‌پردازد و در خور توجه بوده و می‌توان آن را مکمل کتاب «قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران: مطالعه موردی لبنان» ارزیابی نمود. این‌گونه از بررسی‌ها حکایت از ضرورت بازگشت به منابع قدرت نرم اسلامی دارد؛ موضوعی که متأسفانه بسیار از کشورهای اسلامی آن را به دست فراموشی سپرده‌اند و تحولات فلسطین اشغالی می‌تواند زنگ هشدار برای بیداری این کشورها باشد.

یادداشت‌ها

[۱]. قال الله تعالى: «مَحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيَمَاهُمْ فِي وَجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (قرآن کریم. سوره مبارکه الفتح (۴۸). آیه شریفه ۲۹).

[۲]. قال الله تعالى: «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (قرآن کریم. سوره مبارکه آل عمران (۳). آیه شریفه ۱۵۹).

فهرست منابع

- قرآن کریم
- ایازی، سید محمد علی (۱۳۸۰) چهره پیوسته قرآن. تهران: هستی نما.
- صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله (۱۳۸۲) جهاد در اسلام. تهران: نی.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۵ - الف) فقه سیاسی (جلد ۳). تهران: امیر کبیر.
- ب. عربی
- ابن تیمیه، احمد بن عبدالعیم حرّانی (۱۳۶۸ ق.). رسالة القتال. بی‌جا: مطبعه السنة المحمدیه.
- ابن قیم الجوزیه، محمد بن ابی‌بکر (۲۰۰۶) زادالمعاد. القاهرة: مؤسسه المختار.
- الماوردی، ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب (۱۴۱۵ ق.). الحکام السلطانیه و الروایات الدینیّه. بیروت: الدار الكتاب العربی.
- الموسوی الخمینى، روح الله (بی‌تا) تحریر الوسیله. قم: مؤسسه دارالعلم.
- طوسی (۱۳۸۷ ق.). المبسوط فی فقه الامامیه. تهران: المکتبه المرتضویه.
- هیکل، محمد خیر (۱۴۱۷ ق.). الجهاد و القتال فی السیاسة الشرعیّه. بیروت: دارالبیارق.



مبانی مفهومی و نظری

کلیات

قدرت مفهومی است که در عالم سیاست آشنایی زیادی با آن وجود دارد. کاربرد این مفهوم در حدی است که توانایی دارد نوع جدیدی از مناسبات سیاسی و نظام‌های سیاسی را مشخص و آشکار سازد. در خصوص معنی قدرت، منابع ایجاد کننده آن، نحوه کسب قدرت و نوع کاربرد آن، عالمان علوم سیاسی و جامعه‌شناسی مباحث بسیاری را مطرح نمودند. اما آن چیزی که واضح و عیان می‌باشد این است که هر جا بحثی از سیاست مطرح می‌گردد قدرت چه بصورت آشکار و چه نهان در آنجا وجود دارد. نوع ارتباطی که بین این دو (سیاست و قدرت) وجود دارد باعث گردیده تا هیچ‌گاه سیاستمداران و عالمان علوم سیاسی از بررسی و تحلیل این دو در کنار یکدیگر غافل نباشند.

در دنیای سیاست عوامل تاثیرگذار بسیاری وجود دارند اما موضوعی که همیشه تمامی سیاستمداران و دانشمندان این عرصه بر آن تاکید دارند قدرت است. قدرت عاملی است که به‌طور مستمر در کنار سیاست نقش ایفا می‌نماید. دانشمندان علوم سیاسی روابط متعددی را در خصوص نوع ارتباط

قدرت با جهان سیاست قائل شده‌اند. رابطه قدرت در سیاست رابطه ساده‌ای نیست، بلکه نیروها و گروه‌های متعددی بر روی یکدیگر اعمال قدرت می‌کنند، یعنی نمی‌توان دو بازیگر سیاسی را از بقیه جدا کرد و رابطه قدرت آن دو را با یکدیگر سنجید. بنابراین در دانش سیاسی، قدرت نه به‌عنوان ویژه‌گی ذاتی و درونی بازیگران سیاسی، بلکه به‌عنوان ویژه‌گی رابطه میان آنها بررسی می‌شود. اما آن چیزی که به‌طور قطع وجود دارد این است که سیاست و قدرت دو یار همیشگی هستند که هیچ‌گاه از یکدیگر جدا نخواهند شد و هر کدام از آنها به نوعی ضامن بقاء دیگری خواهد بود. حفظ منابع قدرت، توزیع آنها و مبارزه بر سر تصرف آنها از مهمترین مباحث دانش سیاسی است. سیاست تنها به معنی کاربرد منابع قدرت برای انجام کار ویژه‌های حکومتی و اداره جامعه نیست، بلکه سیاستمداران باید بر سر آن منابع با رقبا و مخالفین خود نیز درگیر منازعه شوند. به یک تعبیر قدرت مهمترین مفهوم سامان بخش سیاست و دانش سیاسی است. فرایندها و اموری که در آنها عنصری از قدرت و یا کوشش برای دستیابی بدان موجود نباشد، سیاسی به شمار نمی‌روند. با توجه به این مباحث می‌توان اینگونه مطرح نمود که رابطه‌ای که بین سیاست و قدرت وجود دارد به نحوی به یکدیگر تنیده شده است که نمی‌توان مرز مشخصی را بین آن دو نشان داد.

اما موضوعی که مشخص است این است که کسب قدرت هدفی است که سیاستمداران در راستای آن تلاش می‌کنند و به نحوی می‌توان اینگونه ادعا نمود که تمامی مناسبات سیاسی در جهت حرکت می‌نمایند که هدف نهایی آن کسب قدرت باشد.

در این فصل تعریفی از قدرت، قدرت سخت و قدرت نرم ارائه خواهیم کرد و نظرات و تعاریف محققین این امر را مورد بررسی قرار

خواهیم داد. همچنین کاربرد، و منابع هر کدام را معرفی کرده و با بیان نظریات مختلف در حوزه قدرت نرم نظریه مطلوب و مورد استفاده در ادامه مباحث را ارائه خواهیم نمود. البته با توجه به موضوع کتاب که قدرت نرم است بیشتر توجه و قلم فرسایی در حوزه قدرت نرم صورت پذیرفته است. در ادامه مباحث در حوزه روابط بین‌الملل خواهیم دید که قدرت نرم در چارچوب نظریه سازه‌نگاری قابل تعریف و یا تعامل خواهد بود. از این رو به مباحث نظری در حوزه سازه‌نگاری نیز اشاره‌هایی خواهد شد.

۱-۱. چارچوب مفهومی

به لحاظ ترتیب منطقی، بحث درباره‌ی قدرت، با رویکرد سیاسی و اجتماعی، مقدمه‌ی ورود به بحث دولت است و از آنجا که وجه حاکمیتی دولت لاجرم با مسایلی نظیر اقتدار، آزادی، امنیت و مصلحت تلازم مستقیم دارد، پرداختن به بحث قدرت از اهمیت برخوردار است. بدون فهم ماهیت قدرت نمی‌توان به بررسی دولت پرداخت.

قدرت همیشه مبتنی به زور نیست. ممکن است مبتنی بر ایمان و وفاداری، عادت و بی‌تفاوتی یا منافع هم باشد. قدرت، کنترل و مهار موثر دیگران است اما ابزار موثر این مهار ممکن است متعدد باشد. به‌طور کلی قدرت، هدفمند است، ضمانت اجرا نیاز دارد، نسبی و وابسته به موقعیت است و بر روابط مبتنی است و مهمتر از همه توانایی نفوذ بر دیگران است. (ایمانی، بی تا: ۲۵)

قدرت مفهومی است که در علوم طبیعی، فلسفی و انسانی مورد توجه قرار گرفته است، ولی در علوم اجتماعی و سیاسی طبعاً اهمیت ویژه و جایگاه محوری دارد. علما و اندیشمندان هر گروه از زاویه خاصی به توضیح

مفهوم قدرت پرداخته‌اند، بعضی با دید طبقاتی به قدرت نگریسته‌اند، برخی دیگر با توجه به آثار قدرت، آن را توضیح داده‌اند، در مورد قدرت سیاسی، بعضی از جامعه شناسان سیاسی به بیان حدود و قیود قدرت اهتمام ورزیده‌اند و به خصیصه نهاد یافتگی قدرت اشاره کرده‌اند. تعاریف متعددی از قدرت بر حسب دیدگاه‌ها وجود دارد. با وجود این تعاریف گوناگون قدرت از نظر ساختاری به دو بخش قدرت سخت و نرم تقسیم می‌گردد. از این رو بررسی هرکدام از این وجوه قدرت قابل تامل و بررسی است که بخش قدرت نرم آن در این کتاب بیشتر مورد توجه و کاربرد قرار خواهد گرفت.

۱-۱-۱. قدرت

به عقیده برخی از محققان سیاسی، علم سیاست، علم کسب و حفظ قدرت است. بسیاری از سیاست شناسان، روابط قدرت را هسته سیاست می‌دانند و می‌گویند آنچه روابط سیاسی انسان‌ها را از دیگر روابط آنها متمایز می‌کند قدرت است. مبارزه احزاب و حکومت‌های گوناگون، مبارزه برای قدرت است، برای کسب قدرت، برای حفظ قدرت، یا برای نمایش قدرت. در عرصه جهانی سیاست، در روابط بین‌الملل نیز مبارزه برای قدرت است.

الف. چیستی

دشوار است که بتوان معنی دقیقی از قدرت را به دست آورد. این خود یکی دیگر از مشکلاتی است که در تعاریف واژه‌ها و اصطلاحات علم سیاست وجود دارد. البته این مشکل به‌طور معمول در علوم انسانی بسیار دیده می‌شود. واقعیت نخستین و مهمی که باید درباره قدرت دانست این

است که نه در زبان روزمره و نه در علم سیاست توافقی درباره دانش واژه‌ها و تعریف‌های قدرت وجود ندارد.

از همین رو نیز تعاریف بسیاری از قدرت شده است که هر کدام از این تعاریف با توجه به نوع جهان‌بینی و نگرشی است که آن فرد به محیط پیرامونی خود دارد.

مورگنتسا (Morgenthau)، سیاست در میان ملت‌ها را مبارزه‌ای در راه قدرت می‌داند و معتقد است شناخت درست مبارزه برای قدرت کلید فهم مسائل سیاسی است. (عالم ۱۳۸۲: ۶۸). همچنین رابرت دال (Robert Dall) ضرورت شناخت درست قدرت در جامعه سیاسی را اینگونه می‌داند که هرگاه انسان بی‌توجه به نحوه پراکندگی قدرت عمل کند، بدین معنی که مثلاً اگر قدرت بصورت پراکنده است آن را متمرکز بپندارد و یا اگر متمرکز است آن را پراکنده تصور کند، در چنین حالاتی وی بی‌آنکه خودش متوجه شود در حال ارتکاب اشتباهات سیاسی بزرگی خواهد بود. وقتی انسان درک صحیحی از نحوه توزیع قدرت نداشته باشد مسلماً تعبیراتی هم که از قدرت می‌کند صحیح نخواهد بود. (دال ۱۳۶۴: ۴۳)

در تعریف اجتماعی وبر (Max Weber) از قدرت؛ قدرت امکان خاص یک عامل (فرد یا گروه) به خاطر داشتن موقعیتی در روابط اجتماعی است که بتواند گذشته از پایه اتکای این امکان خاص اراده خود را با وجود مقاومت، به کار بندد و یا گرین (Gireen) که بر این باور است قدرت به‌طور ساده حد توانایی کنترل دیگران است به طوری که عملی را که از آنها خواسته شده است انجام دهند.

لاسول (Harold Lasswell) اظهار می‌دارد که قدرت، مشارکت در تصمیم‌گیری و رابطه‌ای میان فردی است، و یا مورگنتسا که منظور از قدرت سیاسی

را اشاره به وجود کنترل در روابط متقابل دارندگان اقتدار عمومی و میان اقتدار عمومی و عامه مردم است؛ دانسته و توانایی انسان بر ذهن‌ها و اعمال دیگران، را عین همان قدرت برمی‌شمرد.

از تمامی تعاریف فوق اگر بخواهیم خلاصه‌ای را اشاره کنیم خواهیم گفت که قدرت:

الف. قدرت، توانایی تحمیل اراده است به رغم مقاومت دیگران.

ب. قدرت، رابطه دارندگان اقتدار و تابعان آن است.

ج. قدرت مشارکت در تصمیم‌گیری است.

بدین ترتیب، پیداست که تعریف‌های گوناگون از قدرت وجود دارد. اما به‌طور کلی قدرت به معنای توانایی عملی کردن خواست‌ها به رغم مخالفت دیگران است و یا اینکه ما آن چیزی را که می‌خواهیم و مطلوب ما است به‌گونه‌ای کسب نماییم که مخالفت دیگران نتواند ما را از رسیدن به آن مطلوب باز دارد.

قدرت به معنای توانایی نفوذ برای تغییر در رفتار دیگران جهت رسیدن به نتیجه مطلوب معنا می‌شود. راه‌های کاربرد قدرت می‌تواند بکار بردن زور از طریق تهدید کردن دیگران، تحریک کردن به وسیله تطمیع مانند پرداخت پول و جذب آنها تا آن کاری که شما می‌خواهید را انجام دهند باشد. (ملکی ۱۳۸۶:۲۶)

قدرت مجموعه منابع و ابزارهای اجبارآمیز و غیر اجبارآمیزی است که حکومت‌ها برای انجام کار ویژه‌های خود از آنها بهره‌مندند و آنها را به کار می‌برند.

شناختن و چپستی و چگونگی قدرت و تعریف آن و این که چه زمینه و پدیده و موضوع و کدام رابطه اجتماعی را قدرت می‌نامند به همان اندازه

پیچیده و دشوار است که مفهوم سیاست، اما می‌توان در تعریف قدرت این‌گونه اشاره کرد که قدرت داشتن امکان مادی اجبار دیگری به اطاعت و فرمانبرداری است. (بشیریه ۱۳۸۴: ۵۸)

برخی از مردم قدرت را تنها در چارچوب واژه‌های محدودی مثل دستور و اجبار مورد توجه قرار می‌دهند. این نوع قدرت را هنگامی تجربه می‌کنید که می‌توان دیگران را مجبور به انجام کارهایی کنید که خود آنها تمایلی به انجام آن ندارند. شما می‌گویید بپر و آنها می‌پرند و به نظر این آزمایش ساده قدرت می‌باشد؛ اما همه چیز آن‌طور که ابتدا به نظر می‌رسد ساده نیست. فرض کنید افرادی که شما به آنها دستور می‌دهید؛ مثل نوه من، خودشان دوست ندارند بپرند؟ هنگامی که قدرت را در ارتباط با تغییر رفتار دیگران می‌سنجیم ابتدا باید سلیقه‌ها و اولویت‌ها (preferences) آنها را بدانیم. در غیر این صورت ممکن است مثل خروسی که فکر می‌کند آواز او باعث طلوع خورشید می‌شود؛ در مورد قدرتمان اشتباه می‌کنیم. همچنین ممکن است با تغییر شرایط و اوضاع و احوال، قدرت نیز از بین برود. بچه قلندری که در زمین بازی مدرسه با ترساندن بچه‌های دیگر، آنها را وادار می‌کند با فرمانش بالا بپرند و به محض اینکه زنگ تفریح تمام شود و کلاس درس جدی شروع شود، قدرتش را از دست می‌دهد. یک دیکتاتور ظالم می‌تواند یک مخالف را حبس یا اعدام کند، اما اگر آن شخص مسئله مرگ را برای خودش حل کرده باشد (مثلاً شهادت طلب باشد) در آن صورت این قبیل کارها دیگر باعث اثبات قدرت دیکتاتور نمی‌شود. قدرت همواره به شرایط و اوضاع و احوالی که رابطه در آن وجود دارد، وابسته است. (تراپی ۱۳۸۶: ۱۶۰)

تمامی موارد فوق نظری صرفاً مادی بر قدرت دارند در صورتی که اسلام قدرت را موضوعی فراتر از این مباحث می‌داند. بر این اساس دیدگاه اسلام در خصوص قدرت قابل توجه و بررسی خواهد بود. توجه به دیدگاه اسلام در خصوص قدرت از آن صورت مورد نظر است که انقلاب اسلامی ایران از آن رو که پایگاه اصلی عقیدتی آن دین مبین اسلام است و حکومت ایجاد بر اساس رهنمودهای اسلامی است از این سان توجه به شاخص‌های مورد نظر اسلام در جای خود اهمیت فراوانی دارد. بررسی این دیدگاه در قسمت‌های آینده انجام خواهد شد.

ب. منابع

میزان وجود قدرت در یک نظام سیاسی بستگی به تعداد و حجم منابع قدرت دارد. هر چه تعداد و حجم این منابع بیشتر و وسیع‌تر باشد باعث می‌گردد تا اندازه قدرت و میزان تاثیرگذاری آن بیشتر گردد. منابع قدرت دولت به طور عمده در دو مقوله منابع سخت و منابع نرم طبقه بندی می‌شوند. منابع سخت را می‌توان به راحتی از لحاظ کمی بررسی کرد یا با واژه‌های مشخص بیان کرد اما منابع نرم عمدتاً کمی بوده و قابل اندازه‌گیری نمی‌باشند.

منابع نرم نیز در تعیین قدرت ملی اهمیت دارند. این منابع را به راحتی نمی‌توان به صورت کمی درآورد یا خیلی مشخص کرد، زیرا در اساس دارای خصلت کیفی‌اند.

برخی از منابع نرم قدرت عبارتند از:

- دانش. دانش به رشد ذهن و جان یاری می‌کند. رهبری از این رشد بر می‌آید. در جامعه آگاه هیچ رهبری نمی‌تواند به قدرت دست یابد یا آن را اعمال کند، مگر آنکه مجهز به دانش درست و مناسب باشد.

- **سازمان.** سازمان فی نفسه قدرت است. در نظام سیاسی دموکراتیک، احزاب سیاسی برای به دست آوردن قدرت سازمان می‌یابند. اتحادیه‌های زحمتکشان برای رهایی از انقیاد و ستمگری تشکیل می‌شوند.
- **موقعیت‌ها سرچشمه قدرت است.** موقعیت اقتصادی به دارنده کمک می‌کند تا بر مخالفان خود غلبه کند. موقعیت اجتماعی نیز به کسب قدرت و نفوذ بر دیگران کمک می‌کند. موقعیت دینی منبع قدرت و نفوذ است. رهبران دینی جامعه‌های گوناگون همیشه اعمال قدرت و نفوذ می‌کرده‌اند.
- **اقتدار.** اقتدار به معنی قدرت مشروع است. دست یافتن به مقامی سیاسی یا حقوقی طبق قانون و به‌طور مشروع، قدرت فرد را افزایش می‌دهد و او را تاثیر گذارتر می‌کند. شخصی که وزیر می‌شود خود به خود اهمیت می‌یابد.
- **مهارت.** مهارت، قدرت فرد را می‌افزاید. کسی که دارای مهارت و تخصص در زمینه‌ای است، در مبارزه قدرت بر دیگرانی که مهارت و تخصص ندارد، چیره می‌شود.
- **ایمان.** در نگهداشت اقتدار یا اعمال قدرت زور خالص به کار نمی‌آید. حکومت یا یک رهبر برای دائمی کردن قدرت خود نیازمند برخورداری از ایمان عمومی است.
- **رسانه‌های جمعی.** رسانه‌های جمعی منابع مهم قدرت‌اند. صاحبان امتیاز و سردبیران مجله‌ها و روزنامه‌های گوناگون می‌توانند نفوذ قابل ملاحظه‌ای اعمال کنند. رادیو و تلویزیون هم در چیره‌گی بر افکار عمومی نقش حیاتی دارند. از این رو، رسانه‌های جمعی منبع قدرتی در خدمت دارندگان و سلطه‌دارن هستند.